

به بهانه‌ی برنامه چهارم توسعه بیم یا امید

تجربیات دو دهه‌ی گذشته نشان داد که تلاش جهت حل مسائل و مشکلات زنان و مطرح مباحث مربوط به خواسته‌های آنان، ثمربخش خواهد بود اگر، زنان به این باور پای فشارند که خواسته‌های به حق آنان باید مورد توجه قرار گیرد و برای تحصیل آن کوشش کنند، ضمن آن که سرعت بخشیدن برای تحقق آن دارای اهمیت ویژه‌ای است. در صورت تسریع در تحصیل خواسته‌های به حق - از آن رو که کندی عمل، موجب از دست رفتن زمان بسیاری شده است - گشایش در کارها موجب کاستن از رنج زنان در شرایط متفاوت و یا تبعیض آمیز خواهد شد.

انتظار این بود که نظام برنامه‌ریزی در کشور به دادن نقش بیش‌تری به زنان تصریح و با تدوین راه کارهای اصولی، بخش عظیمی از جمعیت کشور را به مشارکت فراگیرتری دعوت کند و به آنان بهای بیش‌تری بدهد. فراموش نکنیم که با هر انتخابات در کشور، زنان در این دلپره به سر می‌برند که چه تصمیمی برای آنان گرفته می‌شود و این موضوعی بسیار سخت و نگران کننده است. مشی جامعه‌ی ما باید به سوی توسعه‌ی پایدار باشد و سیاست‌گذاری باید به نحوی صورت پذیرد که تا حد امکان فکر بازگشت به عقب و یا تغییر سیاست‌ها و یا امکان تحدیدها هم قابل تصور نباشد.

زنان از بیم کم‌رنگ شدن نقش خود در جامعه، هنگام انتخابات در هراس این که آیا انتخاب شوندگان به خواسته‌های زنان توجه دارند یا خیر، در دو راهی رأی دادن یا ندادن می‌مانند، حال آن که منافع ملی و حفظ جامعه‌ای که برای ثبات آن فداکاری‌های فراوانی صورت گرفته است، آنان را متعهد به شرکت در انتخابات می‌کند و به سوی وحدت و یکپارچگی می‌خواند.

برای کاستن از این اضطراب چه برنامه‌ای تدارک شده است؟ چه گونه می‌توان این خیل عظیم را آسوده خاطر کرد و به آنان این نوید را داد که سیاست‌ها به گونه‌ای تدوین شده‌اند که ما را به سوی حقوق بیش‌تر و مشارکت فعالانه‌تر هدایت می‌کنند، نه کم‌رنگ‌تر شدن حضور آنان؟ بیم و آمیدی که هر از چندگاه گریبان‌گیر خیل عظیمی از زنان است، در همه‌ی برنامه‌ها تأثیر می‌گذارد و سد راه پیشرفت زنان می‌شود: بیم از تحدیدها و محرومیت‌ها و امید به مقاومت‌ها و امکان تسهیل پیش‌رو.

سند چشم‌انداز، آرمانی را به تصویر می‌کشد که ویژگی‌های آن عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی، جامعه‌ای برخوردار از تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد و تبعیض و ده‌ها ویژگی دیگر است.

آیا این آرمان‌ها، بخش زنان را نیز دربر می‌گیرد؟

آیا سیاست‌ها ملزم می‌شوند که از آن آرمان‌ها پیروی کنند؟

آیا از سیاست‌هایی که بر مبنای تحدید است، تبعیت نخواهد شد؟

آیا توجهات و تفاسیر مخالف، ما را از آرمان‌های سند مذکور و یا سیاست‌های برنامه چهارم دور نخواهد کرد؟

به نظر می‌رسد باور زنان به حقوق خود و تلاش جهت تحقق خواسته‌های شان، مسیر دستیابی به حقوق آنان را تسهیل و در دسرس خواهد کرد!

یک رأی و چندین و چند ابهام

سید محمد باقر آوارزی

دادرسی و محاکمه و اجرای حکم در چهار ماه که با توجه به وضعیت موجود نظام قضایی ایران چنین سرعتی چندان متداول نبوده و دور از انتظار است. به ویژه در مقایسه با اطلاعیه‌های دادرسی‌های معمول در پرونده‌های مشابه جای سؤال دارد که از جمله می‌توان به روند طولانی محاکمه در رسیدگی به پرونده‌ی مردی اشاره کرد که از ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۰ اقدام به ربودن و تجاوز به دختران خردسال می‌کرد و نازده چند روز قبل حکم اعدام وی در زندان رجایی شهر کرج اجرا شده است. آیا اگر در مورد پرونده‌ی عاطفه رجبی نیز روند معقول و منطقی رسیدگی (و نه اطلاعیه بی‌مورد) طی می‌شد، عرش خدا به لرزه درمی‌آمد؟ آیا صرفاً برای تشفی خاطر افکار عمومی، دقت و عدالت باید فدای سرعت می‌شد و پرونده‌ی زندگی یک انسان که بیش‌تر، قربانی شرایط اجتماعی و وضعیت نابسامان زندگی خود شده است، با سرعت هرچه تمام‌تر بسته می‌شد؟ آیا با مجرم بالفطره تلقی کردن افراد، می‌توان به پیشگیری از وقوع جرم و جنایت در جامعه امیدوار بود؟

آیا این برخورد با سیاست کیفری اسلام در برخورد با بزهکاری و بزه‌دیدگی همخوانی دارد؟! و آیا اصلاح، بازپروری و بازگشت مجدد مجرمین به آغوش جامعه در اهداف مربوط به سیاست جنایی ما محلی از اعراب دارد؟! (وظیفه‌ای که طبق اصل ۴۵۶ قانون اساسی بر دوش قوه‌ی قضائیه سنگینی می‌کند.)

۲- اختلاف روایت‌ها و نظرهای موجود در زمینه‌ی سن عاطفه بین ۱۶ و ۱۸ و ۲۱ سال در نوسان بوده است. هر چند که طبق قوانین ج.ا.ا. سن مسئولیت کیفری همان سن بلوغ است که در دختر ۹ سال تمام قمری می‌باشد اما فراموش نکنیم که ایران یکی از اعضای کنوانسیون حقوق کودک (CRC) است که با حق شرط کلی به آن پیوسته است و طبق مفاد آن کنوانسیون افراد زیر ۱۸ سال، کودک محسوب می‌شوند و فاقد هرگونه مسئولیت کیفری می‌باشند، چه برسد به اعدام آن‌ها.

۳- مباحث مطروحه پیرامون برخوردار نبودن از سلامت کامل عقلی عاطفه و برخورداری‌اش از اختلال روانی آوارزی (طبق ادعای مکتوب وی در روند دادرسی) و در صورت صحت آن، اعتبار قانونی نداشتن اقرار وی که طبق ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی، «اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف بلوغ، عقل، اختیار و قصد باشد.»

۴- از یک سو ادعا شده است که خانواده‌ی عاطفه - پدر بزرگش که سرپرستی‌اش را بر عهده داشته است - اصرار بر دستگیری و محاکمه‌ی وی داشته‌اند و از سوی دیگر پدر وی - صفرعلی سهاله - از تنظیم شکایتی علیه حکم اعدام عاطفه خبر داده است. وی که کهنه‌فروشی دوره‌گرد است حتی در مراسم اعدام دخترش فرصت حضور پیدا نکرده است و در سه ماهی که عاطفه زندانی بود، فقط ده دقیقه با او ملاقات کرده است.

پرواضح است که پاسخگویی و اطلاع‌رسانی درست و به موقع و واگویی واقعیات مربوط به این پرونده و پرونده‌های مشابه می‌تواند در زدودن ابهامات بسیار و تغییر ذهنیت‌ها و تصورات مؤثر باشد و نکته‌ی آخر این که به راستی کجا باید آن مردانی که برای هوس‌های آنی و لذت‌های زودگذر خود، دخترکان این مرز و بوم را تا مرز نیستی می‌کشاند؟ آیا در سیاست جنایی پیش روی نظام قضایی ما، برخورد با این مردان در دستور کار قرار دارد؟ آیا وقت آن نرسیده است که برای کنترل و کاهش تقاضا در این عرصه تدابیری جدی اندیشیده شود؟ تا کی باید انگشت اتهام و اشاره به سوی دخترکان بی‌دفاع و مظلوم این دیار باشد!!

صنوبر حکم اعدام و اجرای سریع آن در مورد عاطفه رجبی - سهاله (دختر نکایی) در ماه‌های اخیر یکی از جنجالی‌ترین خبرها بود و ضمن جلب توجهات بین‌المللی و داخلی، موجی از اعتراضات را نیز در پی داشت.

بی‌تردید برای ناظران خارجی و گزارشگران ویژه و موضوعی بین‌المللی که به دنبال «سوز» می‌گردند تا حقایق ادعاهای خود را در خصوص وضعیت حقوق بشری در ایران به اثبات رسانند و گزارش‌های خود را هرچه مستندتر ارائه کنند، چنین عملکردهایی خوراک مناسبی را فراهم می‌کند و بدین ترتیب با «آب به آسیاب دشمن ریختن» و با بهانه دادن به دست آن‌ها و با دست خود، روز به روز بر قطر و حجم پرونده‌هایی که علیه کشورمان تشکیل شده است، افزوده می‌شود.

نگارنده به اقتضای مسئولیت خود (در قسمت ارتباطات بین‌المللی یکی از نهادهای دولتی)، به خوبی از تأثیرگذاری عملکرد سایر حوزه‌ها بر حوزه‌ی امور بین‌الملل و سیاست خارجی کشور آگاه بوده و تحت‌الشعاع قرار گرفتن دستاوردها و موفقیت‌ها را در نتیجه‌ی سوءعملکردها و کج‌سلیفگی‌ها با تمام وجود لمس کرده است، به طوری که تبعات و عوارض یک تصمیم و یک حکم در گوشه و کنار ایران اسلامی ممکن است دامن‌گیر کل نظام بشود.

صرف‌نظر از تلاش دشمنان خارجی در تیره‌وتار جلوه دادن وضعیت ج.ا.ا. از نظر رعایت حقوق بشر، نمی‌توان از عوامل داخلی مؤثر بر این وضعیت، از جمله رفتار و اقدامات نسنجیده، مدیریت‌های ناکارآمد و ناآشنا با عرف دیپلماسی و گفت‌وگو و ادبیات غیرمستولانه و ... چشم‌پوشی کرد. توضیح این نکته ضروری است که به حساب سیاسی بودن و مغرضانه بودن گزارش‌های مربوط به وضعیت حقوق بشر در ایران، نباید از تخلفات، ابهامات و ضعف و ناهماهنگی در تبیین مواضع و دیدگاه‌ها و ... غفلت کرد و از اقدامات عملی و قانون‌گذاری و فعالیت‌های سیاسی ممکن در جهت رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب بازماند.

البته روحیه‌ی انزواگرایی و غیبت‌های طولانی از صحنه‌های بین‌المللی و مجامع حقوقی و واگذار کردن سخاوتمندانه‌ی صحنه به مخالفان در آن مجامع (به ویژه در فضای قبل از دوم خرداد) و اکتفا به دفاع از خود در چارچوب مرزهای کشور و اقعان افکار عمومی داخلی نیز در تقویت و تشدید این ذهنیت‌هایی تأثیر نبوده و برآیند این رویکرد محکومیت‌پایی کشورمان را در محافل حقوقی و سیاسی بین‌المللی به ارمغان آورده است. حال آنکه جدی گرفتن تحت نظارت بین‌المللی بودن و در دستور کار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل قرار داشتن، زمینه‌های طرح قطع‌نامه‌های نقض حقوق بشر در ایران را از بین می‌برد و تحولی اساسی در ذهنیت و تصور عمومی جهانیان نسبت به ایران و ایرانی به وجود می‌آورد.

در خصوص موضوع فوق‌الذکر نیز - اعدام عاطفه رجبی - از همان ابتدا تماس‌های مکرری در سطح بین‌المللی برای اثبات صحت و سقم موضوع برقرار شد و سؤالات بسیاری که حاکی از دقت نظر و بررسی موشکافانه‌ی موضوع بود مطرح شد. این در حالی است که به تازگی از ابزار خوشحالی‌های فراوان مربوط به نقض حکم افسانه نوروژی و دستور رئیس قوه‌ی قضائیه مبنی بر بررسی مجدد پرونده‌ی وی فراغت حاصل شده بود که سیل اعتراضات و واکنش‌ها در خصوص پرونده‌ی عاطفه رجبی سرازیر شد و بعضاً حاوی سؤالات و ابهامات جدی و اساسی نیز بود، از جمله: ۱- رسیدگی فوری و شاید خارج از نوبت به موضوع و ختم سریع

کجا باید مردانی که برای هوس‌های آنی خود دخترکان این مرز و بوم را تا مرز نیستی می‌کشاند؟ آیا در سیاست جنایی نظام قضایی ما برخورد با این مردان در دستور کار قرار دارد؟

زنان

در برنامه‌های توسعه

سندرت در ملی زانان

بیش تری با علاقه‌مندان و آگاهان در موضوع برنامه‌های توسعه کشوری و ارائه راه‌های جدید برای حضور بیشتر و کیفی‌تر زنان در برنامه‌های توسعه نیاز است. منتظر نقد و رهنمود شما هستیم.

برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

هدف‌های کلی و کمی، خط‌مشی‌ها، سیاست‌های کلی، اعتبارات و برنامه‌های اجرایی برنامه‌ی اول توسعه در یک ماده‌ی واحد و ۵۲ تبصره تصویب و دولت مکلف شده برنامه‌ی مذکور را برای نیل به اهداف مندرج در آن اجرا کند. در قسمت یکم این برنامه به ارتقای کیفی فرهنگ عمومی و گسترش کمی آن، تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص نسبت به نسل جوان از طریق «مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن» تأکید شده است. حفظ قداست خانواده و تقویت روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی نیز در همین قسمت مورد توجه قرار گرفت. تأمین نیازمندی‌ها و گسترش حمایت‌های اقتصادی - اجتماعی از خانواده‌های شهدا، توجه خاص به تحصیل فرزندان خانواده‌ی شهید و در ادامه مراقبت زندانیان بعد از خروج از زندان و خانواده‌های آنان در این قسمت مورد توجه قرار گرفت.

در تصویر کلان برنامه‌ی اول - جمعیت - به خطوط کلی سیاست تحدید مولید کشور برمی‌خوریم که اعلام کرده است زنان و مادران را تحت پوشش برنامه‌ی تنظیم خانواده قرار می‌دهد تا از تولید یک میلیون مولود ناخواسته در طول این برنامه جلوگیری کند.

برای تحقق هدف مذکور کوشش‌هایی در دستور کار قرار دارد:

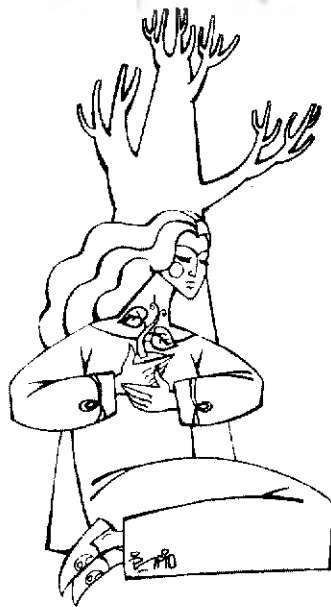
- ۱- بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه و به خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دخترانی که نیز به آموزش دارند.
- ۲- اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی - اجتماعی جامعه و خانواده.
- ۳- ارتقای سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ و میر مادران و کودکان.
- ۴- لغو کنیه‌ی مقررات مسوق رشد جمعیت و اتخاذ تدابیر متناسب با سیاست تحدید مولید کشور.

شرکت دادن زنان در توسعه و سازندگی ملی، از راه ورود مسئله‌ی جنسیت در برنامه‌های دولت امکان‌پذیر است. آگاهی نسبت به جنسیت و ایجاد حساسیت در این موضوع باید در برنامه‌های منظم آموزشی وارد شود، دسترسی به منابع و فرصت‌ها و منافع برای زنان فراهم و تعصب خاصی که مربوط به تفاوت‌های فرهنگی میان زنان و مردان است ریشه کن شود و حمایت‌های مالی و فنی برای ترقی و گسترش نقش‌های زنان مهیا شود. نخستین حرکت، مربوط به ایجاد حساسیت جنسیتی است. تفاوت نقش‌های زن و مرد منجر به اقدامات تبعیض‌آمیزی علیه زنان شده است که مغایر با اصول برابری و عدالت بوده و نیاز به ریشه کن شدن هر نوع تبعیض در محیط خانه و محیط کار دارد.

دومین حرکت، دستیابی زنان به منابع و فرصت‌ها است. برنامه‌ها باید به گونه‌ای تدوین شود که به ضرر زنان نباشد. تبعیض و بر خورد نابرابر باید از برنامه‌ها حذف شود. برابری دسترسی به فرصت‌ها و مشارکت یکسان و برداشتن الگوها و کلیشه‌های سنتی که منجر به بر طرف کردن موانع اجتماعی و فرهنگی در برابر مشارکت کامل مردان و زنان می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد و مهم‌تر از همه گسترش برابری و عدالت که برای تحقق آن باید از زنان حمایت بیشتر تری شود تا کار آن‌ها بهبود یابد و نیازهای آنان از جمله خدمات رفاهی (مراقبت از کودک و ...) تأمین شود. قوانین، مورد تجدید نظر قرار گیرند و برنامه‌های آموزشی آنان تقویت شود. سومین حرکت، این که برنامه‌ها به گونه‌ای تنظیم شوند که اعتقاد به برابری اجتماعی تقویت و تعصبات مربوط به جنسیت در رفتارها و کردارها ریشه کن شود.

از این رو باید در عرصه‌ی آموزش، تربیت فرزند و تصمیم‌گیری در خانواده به صورت مشارکتی عمل کرد و حرکت‌های یعدی عبارتند از: به رسمیت شناختن نقش‌های چندگانه‌ی زنان در تدوین قانون و سیاست‌ها و برنامه‌ها و خدمات اجتماعی، تضمین وسیله‌هایی که تولید و درآمد زنان را افزایش می‌دهد و از سختی کار آن‌ها می‌کاهد، حمایت فنی و مالی از زنان و مردان، و هر آنچه که بتواند با ایجاد عدالت جنسیتی، راه توسعه را هموار کرده و زنان را به سوی افق‌های روشن حرکت دهد؛ حرکتی در خور شأن و ارزش زنان به عنوان اعضای جامعه‌ی بشری.

در این مقاله تلاش شده است ضمن استناد به چهار برنامه‌ی توسعه‌ی کشوری، محتوای قانون هر کدام از برنامه‌ها در موضوع زنان مشخص شود. در پایان نتیجه‌گیری مختصری صورت گرفته است که برای تکمیل آن به ارتباط



در بخش نیروی انسانی و اشتغال، در هدف‌های کیفی، موضوع توسعه و حمایت از مشاغل مولد با تأکید بر خوداشتغالی و تولیدات خانگی دیده شده است.

برنامه‌ی اول توسعه در موضوع فرهنگ عمومی اشاره‌ای کوچک به مشارکت بیش‌تر زنان در امور اجتماعی فرهنگی آموزشی و اقتصادی داشت؛ با ذکر دو شرط - حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن - بدون آن که آن را مشخص و حدود آن را معلوم کند.

در خط مشی برنامه‌ی اول، موضوع حفظ قداست خانواده و تأمین نیاز خانواده‌های شهیدا به خصوص تحصیل آنان با توجه به تأمین قسط اسلامی و عدالت اجتماعی مورد تأکید قرار داشت.

نکته‌ی قابل تأمل این که در این برنامه زنان را برای کنترل باروری، تحت پوشش برنامه‌ی تنظیم خانواده قرار داده و برای تحقق هدف منظور، موضوع افزایش پوشش تحصیلی دختران، اعتلای موقعیت زنان و کاهش مرگ و میر مادران و کودکان را در این برنامه مؤثر دانسته‌اند. این برنامه در زمره‌ی وظایف وزارت بهداشت شمرده شده است و در آن به جز موارد ذکر شده، هیچ نشانی از توجه به جنسیت و مسائل زنان مشاهده نمی‌شود. همان‌طور که ملاحظه شد در موضوع نیروی انسانی و اشتغال نیز مشاغل با تأکید بر خوداشتغالی و تولیدات خانگی آمده است.

برنامه‌ی دوم توسعه

این برنامه در خط مشی اساسی جهت تحقق عدالت اجتماعی، تعمیم گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی به وسیله‌ی تأمین منابع از محل بودجه‌ی عمومی را به منظور پرداخت مستمری به اقشار نیازمند از جمله زنان و کودکان بی‌سرپرست تا آخر برنامه‌ی دوم مصوب کرده است.

در موضوع ارتقای کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه، پر کردن اوقات فراغت بانوان با مشارکت بیش‌تر آنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن، مورد توجه است.

از موضوعات دیگر برنامه، ترغیب به ازدواج و تشکیل خانواده و آگاهی نسبت به روش‌ها و معیارهای شرعی در انتخاب همسر و حقوق خانواده و در عین حال اولویت دادن به خانواده‌های شهیدا در استفاده از تسهیلات بانکی، ثروت‌های ملی و منابع طبیعی است. در سیاست‌های کلی، موضوع جمعیت و تنظیم خانواده همچنان از موضوعات مهم برنامه است. در همین بخش تأکید بر آموزش و افزایش آگاهی بانوان در مقاطع سنی بالقوه‌ی باروری، در زمینه‌ی مزیت‌های کنترل باروری، است.

در قانون برنامه‌ی دوم توسعه، شاهد تبصره‌ی ۱۲ و اعتبار برای تأمین اجتماعی زنان و کودکان بی‌سرپرست، تبصره‌ی ۱۳ در پرداخت مستمری به والدین شاهد و تأمین خانواده‌ی شاهد، تبصره‌ی ۶۵ در الزام دولت به تهیه و ایجاد امکانات ورزشی برای زنان و دختران با توجه به حفظ شئون زن در جامعه‌ی اسلامی هستیم.

در این برنامه، نکته‌ی قابل توجه نگاه حمایتی به زنان بی‌سرپرست و تهیه‌ی امکانات ورزشی برای بانوان است.

برنامه‌ی سوم توسعه

این برنامه ضرورت‌ها و چالش‌های اساسی کشور در سال‌های آتی، مانند جوانی جمعیت، افزایش سطح مشارکت اجتماعی، اهتمام بر امر اشتغال و فراهم آوردن رشد اقتصادی مورد نیاز برای کاستن از نرخ بیکاری فعلی، توسعه‌ی منابع انسانی و فناوری و بهره‌مندی از منابع و امکانات کشور و مزیت‌های متعدد آن را مورد توجه قرار داده است. این برنامه ۲۶ فصل و ۱۹۹ ماده دارد.

نکات مهم برنامه‌ی سوم توسعه در موضوع زنان و زنان در خانواده عبارتند از:

۱- تهیه‌ی طرح جامع خدمات به ایثارگران (خانواده‌ی معظم شهید، مفقودین، اسرا و همچنین آزادگان، جانبازان و خانواده‌های آنان) - ماده‌ی ۴۳.

۲- تسهیلات به صورت وام بدون بهره برای تهیه‌ی ابزار کار به بیکاران، ...

با ذکر زنان بیکار سرپرست خانوار - ماده‌ی ۵۶.

۳- پیشنهاد برنامه‌های توسعه‌ی مشارکت زنان و جوانان به ویژه بسیجیان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان - ماده‌ی ۷۱.

۴- حمایت از متقاضیان مسکن و ... تسهیلاتی برای خانواده‌ی معظم شهیدا و جانبازان - ماده‌ی ۱۳۹.

۵- معافیت خانواده‌های تحت پوشش کمیته‌ی امداد و سازمان بهزیستی از پرداخت هزینه‌ی عوارض و مالیات هنگام صدور سند مالکیت املاک واقع در بافت مسکونی روستاها - ماده‌ی ۱۴۰.

۶- حمایت از خانواده‌های شهیدا و جانبازان متقاضی مسکن - ماده‌ی ۱۴۱.

۷- منظور کردن هزینه‌ی ایاب و ذهاب دانش‌آموزان دختر و پسر از روستایی به روستای دیگر برای آموزش - ماده‌ی ۱۴۳.

۸- موظف کردن مرکز امور مشارکت زنان در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب آنان در توسعه‌ی کشور و تقویت نهاد خانواده - ماده‌ی ۱۵۸.

الف: ارائه‌ی طرح‌های مناسب از طریق شناسایی نیازهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی خاص زنان به مراجع مربوط

ب: ارائه‌ی طرحی برای افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان به هیئت وزیران.

ج: ارائه‌ی طرحی برای تسهیل امور حقوقی و قضایی زنان.

د: طرح حمایت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی برای بهره‌گیری از خدمات مختلف اجتماعی زنان و اجرای آن پس از تصویب.

ه - ارائه‌ی گزارش عملکرد سالانه از اجرای ماده‌ی ۱۵۸.

۹- اعطای تسهیلاتی ویژه در فعالیت‌های فرهنگی و هنری به خانواده‌های معظم شاهد و ایثارگران - ماده‌ی ۱۵۹.

۱۰- فعال کردن انجمن‌های حمایت از خانواده‌های زندانیان و معدومین برای تحت پوشش گرفتن آن‌ها - ماده‌ی ۱۶۰.

۱۱- اختصاص آسایشگاه‌هایی برای بستری کردن جانبازان زن - ماده‌ی ۱۹۳.

۱۲- افزایش یارانه‌ی کالاهای اساسی به منظور رفع سوء تغذیه‌ی خانوارهای کم‌درآمد - ماده‌ی ۱۹۷.

بدین ترتیب ۱۲ ماده‌ی قانون برنامه‌ی سوم به زنان و مسائل نزدیک و مربوط به آنان بود که نشان از روند روبه رشد برنامه‌ی توسعه در کشور دارد.

حال نگاهی به راهکارهای اجرایی قانون برنامه‌ی سوم توسعه خواهیم داشت. در اصلاح ساختار اداری و مدیریت، درخواست بازنگری و اصلاح در موضوعات ذیل شده است:

* رفع تبعیض و ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان در استخدام، ارتقا، و انتصاب و سایر موقعیت‌های شغلی متناسب با وظایف و مسئولیت‌های زنان در حفظ کيان خانواده.

* بهره‌مندی از استعدادها و توانمندی‌های علمی و اقتصادی زنان به ویژه بانوان خانه‌دار، پیشنهاد آموزش‌های کوتاه‌مدت کاربردی، حمایت از تشکیل سازمان‌های غیردولتی زنان و تشکیل واحدهای ستادی مناسب برای انجام مطالعات و اقدامات لازم و چگونگی جمع‌آوری، فروش و صدور کالاهای تولیدی توسط زنان خانه‌دار به منظور توسعه‌ی علوم و فناوری. ضمناً از تشکیل واحدهای مشاوره‌ای و خدماتی با مسئولیت زنان تحصیلکرده برای ارائه‌ی خدمات به جامعه‌ی زنان حمایت شده است.

* تأکید بر توسعه‌ی زمینه‌ی آموزش، اشتغال و مشارکت زنان در آب و کشاورزی.

* شناسایی مزیت‌های نسبی و امکان‌سنجی استقرار صنایع روستایی در محیط روستایی با اولویت ایجاد اشتغال

برای زنان در توسعه و عمران روستایی.

* در فصل مربوط به آموزش و پرورش عمومی، اصلاح و متناسب‌سازی فضاهای آموزش و پرورش با رعایت جنسیت، برخورداری از آموزش ابتدایی و راهنمایی و گسترش مدارس و اجرای آموزش از راه دور و ... تغذیه‌ی رایگان با تأکید بر آموزش دختران و برنامه‌ریزی نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش برحسب جنس.

* در آموزش فنی و حرفه‌ای، استفاده از مرکز شبانه‌روزی خاص زنان و مردان و افزایش امکانات آموزش فنی و حرفه‌ای برای زنان.

مشاهدات نشان می‌دهد معمولاً زنان به دلیل مشکلات خانهداری و وظایف مادری، نه تنها مورد لحاظ قرار نمی‌گیرند بلکه برنامه‌ریزان، فعالیت آنان را جدی نمی‌گیرند.